

استراتژی اقتصاد دانش بنیان و اقتصاد مقاومتی

(باتاکید بر بیانات مقام معظم رهبری)

مریم بیات^۲

*رضا امیری^۱

چکیده

اقتصاد دانش بنیان امروزه به عنوان یکی از عوامل بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید و از عوامل مهم ایجاد ثروت پذیرفته شده و در سطح خرد و کلان فرصتها و چالشهای جدیدی را فراهم کرده است و موجب رشد و توسعه پایدار جامعه و در نهایت تحقق اقتصاد مقاومتی می شود. این مقاله مفهوم دانش پایگی اقتصاد و نقش آن را در چگونگی رسیدن به توسعه اقتصادی کشور در شرایط اقتصاد مقاومتی مورد بحث قرار می دهد. به این منظور از روش کتابخانه ای به منظور بررسی اسناد استفاده شده و اطلاعات آن به روش توصیفی تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این امر است که اقتصاد جدید بیانگر وجوه یا بخش های یک اقتصاد است که در حال تولید یا به کارگیری ابداعات یا فن آوری جدید به منظور رسیدن به رشد بلند مدت و افزایش تولید است. در واقع می توان گفت تمامی ارکان اقتصاد دانش بنیان در جهت خود کفایی و رشد کشور می باشد و پیامد این روابط کاهش بیکاری، کیفیت بهتر محصولات و خدمات، اصلاح الگوی مصرف و در واقع تحقق مؤلفه های اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

کلمات کلیدی: دانش، اقتصاد دانش بنیان، شرکت های دانش بنیان، اقتصاد مقاومتی

^۱ *دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تهران، _amiri.r68@gmail.com - ۰۹۱۰۴۹۶۲۸۹۸
^۲ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه سیستان و بلوچستان، m.bayat193@yahoo.com

بشر در طول تاریخ همواره به دنبال کسب دانش بوده و امروزه کسب آن به یکی از اهداف بسیار مهم جوامع و کشورها تبدیل شده است.^۳ اقتصاد دانش بنیان امروزه به عنوان یکی از نیروهای بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید و از عوامل مهم ایجاد ثروت پذیرفته شده و در سطح خرد و کلان، فرصتها و چالشهای جدیدی را فراهم کرده است (عظیمی و برخورداری، ۱۳۸۷). اقتصاد دانش بنیان برخاسته از دو نیروی اصلی است: ۱- افزایش دانش بری فعالیت های اقتصادی ۲- افزایش جهانی شدن امور اقتصادی، افزایش دانش بری برخاسته از ترکیب عوامل مختلف نظیر انقلاب فناوری اطلاعات و نیز افزایش سرعت تحولات تکنولوژیکی است (نیل فروشان، ۱۳۸۴). لیکن در اقتصاد دانش بنیان، تولید و بهره برداری از دانش سهم عمده ای در ایجاد ثروت دارد و سرعت تغییرات بسیار زیاد است. در واقع اقتصاد جدید بیانگر وجوه یا بخشهای یک اقتصاد است که در حال تولید یا به کارگیری ابداعات یا فن آوری جدید به منظور رسیدن به رشد بلند مدت و افزایش اشتغال است. از آنجا که در فناوری های جدید و اقتصاد دانش محور، قدرت تولید (بهره وری) و بازده تولید زیاد می شود، لذا دولت های جهان اعم از صنعتی و در حال توسعه مصمم شده اند تا آموزش و کسب مهارت ها را به سمت اقتصاد دانش محور متحول سازند. اقتصاد دانش محور نه تنها بیکاری را کاهش می دهد، بلکه به کمک ارتقاء بهره وری، از تورم می کاهد و بر درآمدها می افزاید. در نتیجه، مهارتها و ابزار آلات مورد استفاده و کار با مهارت بالاتر مورد توجه روزافزون قرار گرفته است (صادقی و آذربایجانی، ۱۳۸۵). از این رو می توان چنین استنباط کرد یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است. مقاله‌ی حاضر از دید هدف، از نوع نظری و از دید روش از نوع تحلیلی می باشد. در این مقاله به تبیین اقتصاد دانش بنیان به عنوان بستر توسعه‌ی شرکت‌های دانش بنیان پرداخته شده است. در این راستا از شاخص های ارائه شده برای ارزیابی اقتصاد دانش بنیان^۴ در برنامه دانش برای توسعه^۵ استفاده خواهد شد. نتایج مطالعاتی از این قبیل، می تواند برنامه ریزان و سیاست گذاران را در تهیه و تدوین سیاست های مربوط به بخش دانش و افزایش ظرفیت های تولید یاری کند. سازمان دهی مباحث مقاله در ادامه به شرح زیر است: بعد از مقدمه و در بخش دوم پیشینه موضوع مرور می شود در بخش سوم مبانی و ادبیات موضوع معرفی می شود و در بخش پایانی نیز جمع بندی ارائه می شود.

^۳ لازم به ذکر است که تنها راه کسب دانش از طریق نهادهای رسمی نیست زیرا برخی از جنبه های دانش از محیط کسب می شود.

^۴ Knowledge-Based Economy

^۵ Knowledge for Development (K4D)

پیشینه تحقیق

توجه به نقش دانش در اقتصاد و رشد اقتصادی، موضوع جدیدی نیست و در نظریات اقتصادی گذشته نیز دانش و فناوری همواره مبحث مهمی در نظریات مربوط به رشد اقتصادی بوده است. در این رابطه آدام اسمیت^۶ در سال ۱۷۷۶ کتاب خود را با عنوان تحقیق در باب ماهیت و علل ثروت ملل نوشت، او به نقش دانش در رشد اقتصادی واقف بوده و از طبقه ای از متخصصان نام می برد که هم آینده نگری دارند و هم با تولید دانش که به لحاظ اقتصادی مفید است به رشد اقتصادی با پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، و نقش تخصصی آن در تقسیم کار و بهره وری کمک میکند (Smith, 1776, 1976). پس از اسمیت، اقتصاددان آلمانی فردریک^۷ بر اهمیت زیر ساختها و نهادهایی تأکید می کند که موجب توسعه نیروهای تولیدی هستند و فردریک منشأ این زیرساخت ها و نهادها را تولید دانش و توزیع مناسب در اقتصاد می داند. هگل^۸ هم عامل توسعه و تحول نظام های اجتماعی و اقتصادی را تضاد بین نهادهای موجود با ادراکات رشد یافته می داند که خود از رشد دانش متأثر است. مارکس^۹ حدود صد سال پس از اسمیت، موتور محرکه تغییر نظام اقتصادی را تضاد بین نیروهای تولیدی با روابط اجتماعی تولید می داند و تحول نیروهای تولیدی را برون زا فرض می کند، زیرا رشد نیروهای تولیدی را حاصل رشد دانش و توسعه علوم می داند که برون زا است، از این رو همان عامل اصلی در تحولات نظام اقتصادی و تحول به سوی نظام برتر یعنی سوسیالیسم علمی را جز رشد دانش و توسعه علوم و کاربرد آن در صنعت، یعنی پیشرفت تکنولوژی نمی داند (عظیمی، ۸۹، ۱۳۸۷). پس از چالش های فکری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که رقابت اقتصادی میان کشورهای صنعتی جهان جدی تر می شود و جنبه های کاربردی اقتصاد بیشتر مورد توجه قرار می گیرد، جوزف شومپیتر^{۱۰} به نقش دانش در ابداع و نوآوری و در پویایی اقتصاد توجه کرده و آن را اساس کارآفرینی و تحول اقتصاد معرفی میکند (Shumpeter, 1934).

با مطرح شدن تئوری سرمایه انسانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، اهمیت دانش و آموزش بیشتر مورد توجه قرار میگیرد. گاری بکر^{۱۱} به تحلیل اهمیت آموزش و تحقیق در رشد سرمایه انسانی و بهبود کارآیی اقتصادی می پردازد (Becker, 1964). در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان^{۱۲} (KBE) یا اقتصاد دانشی^{۱۳} که توسط OECD^{۱۴} مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه ملل

^۶ Adam smith

^۷ Fredrick

^۸ Hegel

^۹ Karle marcs

^{۱۰} -Joseph Schumpeter

^{۱۱} gary Becker

^{۱۲} Knowledge Based Economy (KBE)

^{۱۳} Knowledge Economy (KE)

قرار گرفته، گویای تاکید در نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصاد است؛ از این رو می توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت تر از گذشته نگریسته می شود. از دیدگاه جوزف استیگلitz^{۱۵} دانش به عنوان یک کالای عمومی جهانی بوده و زمانی بیشترین تاثیر را در جامعه اعمال خواهد کرد که بدون هرگونه اغماض توزیع شود. او برای تحقق این مهم در عرصه جهانی، تغییر نگرش به مسئله توسعه و تجدید ساختار سازمان های بین المللی را ضروری می داند (Stiglitz, ۱۹۹۸) بسیاری از اقتصاد دانان نامی جهان نیز مانند استیگلitz بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه بازار، در توسعه اقتصادی ملل نقش اساسی را نداشته، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می کند. بنابراین امروزه عوامل متخصص انسانی به عنوان نیروی اصلی تحول اقتصادی مورد توجه بوده است. دانش عامل اصلی رشد است و عمده ارزش افزوده تولید جامعه ناشی از دانش می باشد و به نوعی دانش عامل اصلی تولید، رفاه و موتور رشد اقتصادی است (ناظرمان، ح، اسلامی فر، ع، ۱۳۸۹).

عید محمد زاده و همکاران (۱۳۸۶)، در مقاله ای با عنوان "ارزیابی اقتصاد دانش بنیان با استفاده از مدل برنامه ریزی ریاضی" به اندازه گیری کارایی و رتبه بندی کشورهای انتخابی پرداختند، نتایج نشان می دهد که با فرض بازده ثابت نسبت به مقیاس، کشورهای ترکیه، بحرین، اردن، سوریه و کویت در میان کشورهای انتخابی از بیشترین کارایی برخوردار بوده و ایران جزو کشور های ناکارا بوده و به منظور افزایش کارایی باید کشور ترکیه را الگوی خود قرار بدهد.

عمادزاده و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی میزان تحقق اقتصاد دانش محور در ایران: مقایسه تطبیقی با کشورهای همسایه" نشان دادند که گرچه ایران در سالهای اخیر دستاوردهای ارزشمندی در زمینه بستر سازی فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش داشته است، ولی هنوز زیرساختهای لازم جهت دستیابی به اقتصاد دانش محور را کسب نکرده است. همچنین در برخی از اجزاء اقتصاد دانش محور از سه کشور همسایه مورد بررسی (ترکیه، پاکستان و کویت) عقب تر است.

حسینی و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله ای تحت عنوان "اقتصاد دانش و شکاف توسعه در ایران" به بررسی شکاف عوامل تولید و همچنین شکاف دانش موجود در بین ۱۶ کشور انتخابی پرداخته اند. در این مطالعه از روش مقایسه اقتصاد دانش بانک جهانی (KAM) استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که اقتصاد ایران به لحاظ عوامل طبیعی، انسانی و مالی با کمبود مواجه نیست. بنابراین در قالب مقایسه بیان شده، اقتصاد دانش محور ایران با شکاف مواجه بوده و به رغم وضعیت مناسب داده ها و ظرفیت های اقتصاد دانش، ستانده های آن در ایران پایین می باشد.

^{۱۴} Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

^{۱۵} Josep Stiglitz

طرح مسأله

امروزه بسیاری از کشورهای جهان توجه خاص خود را به اقتصاد دانش محور، به عنوان یک برنامه راهبردی در جهت پیشبرد منافع ملت ها، در عرصه رقابت های جهانی معطوف نموده اند.

اینکه آیا اقتصاد مبتنی بر دانش، موجب رشد و پیشرفت کشور در شرایط اقتصاد مقاومتی می شود؟

و اینکه اقتصاد دانش بنیان بهترین استراتژی در شرایط اقتصاد مقاومتی است؟

از جمله پرسش هایی هستند که در رأس تحقیقات اغلب کشورهای در حال توسعه جهان قرار داشته و بخش قابل توجهی از تحقیقات اقتصاد کلان را در این جوامع به خود معطوف نموده اند. از لحاظ کاربردی، برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهش کافی نیست، بلکه نکته مهم، به کارگیری آن ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت ها و ارتقاء درجه بهره برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را مقدور می نماید (Smulders, 2007).

ادبیات موضوع

اقتصاد دانش بنیان؛ تعاریف و رویکردها

مفهوم اقتصاد مبتنی بر دانش اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^{۱۶} مطرح شد. در گزارش تکمیلی این سازمان در سال ۱۹۹۶، اقتصاد دانش، چنین تعریف شده است: «اقتصادی که به طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد». انگلستان اولین کشوری بود که از این مفهوم استقبال کرد و وزارت صنعت و تجارت انگلستان اعلام کرد که آینده رقابتی ما، ایجاد اقتصاد تحریک-شونده به وسیله دانش است و متعاقب آن کشورهایی چون استرالیا، کانادا، چین، کره جنوبی، رومانی، لیتوانی، ارمنستان، اسکاتلند، فنلاند، نیوزلند، تایلند و ... به صورت مستقل یا به کمک سازمانهای جهانی (مانند سازمان ملل و...) برنامه های خود را برای ورود به این اقتصاد اعلام کرده اند. البته نقد های زیادی به گزارش مذکور وارد شد، از جمله اینکه هم اکنون نمی توان اقتصادی یافت که به طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد بلکه

^{۱۶} OECD

دانش نیز بخشی از کل مجموعه اقتصاد را شکل می دهد (سوزنچی کاشانی، ابراهیم، ۱۳۹۰). اسمیت^{۱۷} در انتقادی که به نگاه های سطحی نسبت به اقتصاد دانش محور وارد میکند، ادعا میکند که میتوان در این مقوله چهار رویکرد متمایز را تشخیص داد:

۱- افرادی که معتقدند نقش دانش به عنوان یک ورودی در فعالیتهای اقتصادی از همیشه مهم تر گشته است.

۲- گروهی که معتقدند دانش در بعضی از موارد به عنوان یک محصول مهم تر از همیشه شده است.

۳- دسته ای که معتقدند این رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات بود است که محدودیتهای فیزیکی و هزینه های جمع آوری و ارسال اطلاعات را از بین برده است لذا رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات یعنی حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان.

۴- جمعی که معتقدند دانش کد شده و روند رو به افزایش قابلیت ها در کدسازی و انتقال دانش است که اقتصاد دانش بنیان را شکل می دهد. اقتصاد دانش محور اقتصادی است که در آن دانش کد شده ارسال و توزیع میشود.

در این میان رویکرد پنجمی نیز وجود دارد که به صورت شفاف از اقتصاد دانش بنیان نام نمی برد و اقتصاد یادگیرنده را به عنوان بدیل آن مطرح میکند؛ به زعم این گروه، دانش همواره در فعالیتهای اقتصادی مهم بوده و از این رو اقتصاد دانش محور ناظر به تغییر بنیادی در سازوکارهای اقتصادی نیست بلکه بیشتر ناظر بر تکامل فهم بشر از این سازوکارهاست (سوزنچی کاشانی، ابراهیم، ۱۳۹۰).

مدیریت دانش

یکی از مهمترین ابزارهای مورد استفاده در یک اقتصاد دانش بنیان در سطوح خرد (بنگاه)، مدیریت دانش است، مدیریت دانش با ایجاد و توسعه دارایی های دانشی یک سازمان و نیز با فرا رفتن از اهداف سازمان مرتبط است و مستلزم تمام فعالیت هایی است که با شناسایی، تشریح و ایجاد دانش مرتبط هستند. این کار نیازمند سیستم هایی جهت ایجاد و نگهداری منابع دانش، پرورش و تسهیل دانش و یادگیری سازمانی است (ساعدی، م، یزدانی، ح، ۱۳۸۸). مدیریت دانش، انشعایی از ادبیات سازمان یاد گیرنده است. یادگیری در سازمان ها افراد را ملزم میکند که نسبت به انتقال اطلاعاتی که سایر افراد میتوانند مورد استفاده قرار دهند، اقدام کنند (مهرزاد، م، وهمکاران ۱۳۸۹)

^{۱۷} Smith, K., ۲۰۰۲,

اقتصاد دانش بنیان و جهانی شدن

پدیده جهانی شدن^{۱۸}، در چشم انداز موعود یک جامعه جهانی مملو از امیدهایی برای دستیابی به برابری، عدالت، و وعده هایی از این قبیل که به طور کلی موکول به تحقق یک هویت جهانی واحد است، سبب می شود تا بسیاری از جوامع در حال توسعه جهان به امید مشارکت در بازار های بین المللی و برخورداری از منافع آن جامعه موعود جهانی، سعی کنند که زیر ساخت های اقتصادی و فرهنگی خود را با شرایط و قوانین سازمان های جهانی از جمله سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی و برنامه های توسعه سازمان ملل همساز نمایند (Castells, ۱۹۸۹). در چنین شرایطی، اگر توزیع دانش و کالاهای دانشی بدون محدودیت و دشواری در مقیاس جهانی عملی نگردد و کشورهای ضعیف نتوانند به کاروان پیشروان دانش و فن آوری نزدیک شوند، وعده برخورداری از مزایای جامعه موعود جهانی قابل تحقق نخواهد بود (Stiglitz ۱۹۹۸).

در یک تحلیل نظری، به طور کلی می توان ویژگی های زیر را برای اقتصاد دانش بنیان عنوان کرد:

جدول (۱) ویژگی های اقتصاد دانش بنیان

ردیف	توضیحات
۱	اقتصاد دانش بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است
۲	در اقتصاد دانش پایه، دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می رسد
۳	اقتصاد دانش بنیان، به نوعی یک اقتصاد بدون وزن (Weightless economy) است.
۴	ارزش محصولات و خدمات در اقتصاد دانش پایه به شرایط افراد بستگی دارد.
۵	در اقتصاد دانش بنیان، دانش پایگی اقتصاد وابسته به مجموعه ای از نظام ها و فرآیندهای دانشی جامعه است
۶	، دانش و اطلاعات به هرجا که تقاضا برای آن بیشتر و موانع در مقابل آن کمتر باشد، نفوذ میکند و تاثیر می گذارد
۷	در اقتصاد دانش بنیان، دانش موجود در محصولات و خدماتی که از لحاظ محتوای دانشی غنی ترند، تعیین کننده قیمت محصولات مشابهی است که دارای دانش بری کمتری هستند.
۸	سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته فعالیت های دانش پایه و دانش ساز مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته تر و کارآمدتر و بویژه از فعالیت های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می شود.

^{۱۸} Globalization

در حقیقت اقتصاد دانش‌بنیان با بهره‌وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه‌ی اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند و در نتیجه، دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود (ناظمان، ح، اسلامی فر، ع، ۱۳۸۹).

ارکان اصلی اقتصاد دانش بنیان

سرمایه گذاری موفق برای اقتصاد دانش بنیان شامل چهار عامل اصلی می باشد. سرمایه گذاری بلند مدت در آموزش، توسعه ظرفیتهای ابداع و نوآوری، به روز کردن زیر ساختهای اطلاعاتی و ایجاد یک محیط اقتصادی سودمند. بانک جهانی این مجموعه عوامل را به عنوان چهار رکن اصلی اقتصاد دانش بنیان (KBE)^{۱۹} اینگونه معرفی میکند:

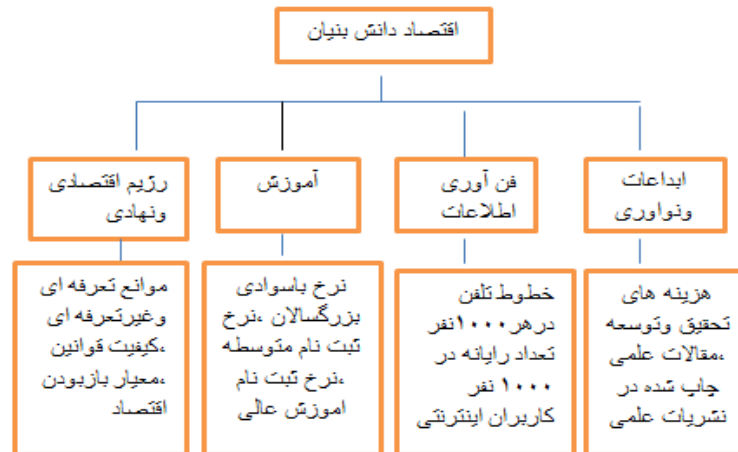
- رژیم های اقتصادی و نهادی (نظام انگیزشی): فراهم کننده انگیزه های لازم جهت استفاده مناسب از دانش ، تحریک خلاقیتها و کارآفرینی و همچنین محرکی برای ایجاد کارآمدی می باشند.

- آموزش و توسعه منابع انسانی فراگیر و مستمر : برای وصول به یک جامعه با افراد متخصص ، خالق و انعطاف پذیر که تولید کننده ، جذب کننده ، نشر دهنده و استفاده کننده مؤثر از دانایی باشند.

- نظام کارای نوآوری و اختراعات : مشتمل بر بنگاه ها ، مراکز تحقیقاتی ، دانشگاه ها ، مشاوران و سایر سازمانهایی که از ذخایر روز افزون دانایی جهانی بهره گرفته و آنرا جذب و با نیازهای ملی/محلی وفق داده و تعدیل میکنند.

- زیر ساخت پویا و کارآمد فناوری اطلاعات و ارتباطات : به منظور تسهیل فرآیندهای ارتباطی و اطلاعاتی و همچنین کسب و انتشار دانش (گرگی زاده، ع؛ شریفی رنانی، ح، ۱۳۹۲).

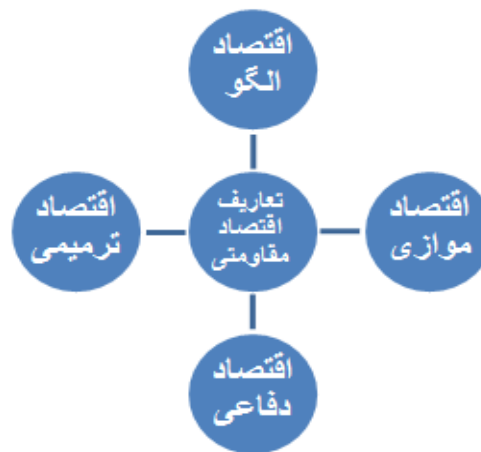
^{۱۹} - Knowledg Based Economy (KBE)



شکل (۱) محورهای اقتصاد دانش بنیان (ساندک و فتیور، ۲۰۱۱).

تعاریف اقتصاد مقاومتی:^{۲۰}

اقتصاد مقاومتی را می توان چهارگونه تعریف نمود :



شکل (۲) تعاریف اقتصاد مقاومتی

^{۲۰} Resistive economy

اقتصاد موازی: تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند.

اقتصاد ترمیمی: تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است.

اقتصاد دفاعی: تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلاص در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.

اقتصاد الگو: چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست، بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی، ع، ۱۳۹۱)

راهکارهای اصلی اقتصاد مقاومتی بنا به فرموده مقام معظم رهبری

اصول اقتصاد مقاومتی (بنابه فرموده مقام معظم رهبری) ^{۲۱} در ۵ محور قابل جمع بندی است:

- مردمی کردن اقتصاد
- کاهش وابستگی به نفت
- توسعه صنایع دانش بنیان

^{۲۱} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۳/۵/۹۱

- مدیریت مصرف

- استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات

برای تحقق اصول پنج گانه فوق که در جهت حل مشکلات اقتصادی (نظیر تورم، بیکاری و فقر) است؛ لازم است تا هم در ساختار دولت و هم در سیاستهای آن، اصلاحاتی صورت گیرد. برخی از مهمترین اصلاحات در جدول شماره (۲) ذکر شده است.

جدول (۲) اصلاحات سیاسی و اقتصادی دولت

اصلاح سیاست‌های دولت بر اساس اقتصاد مقاومتی

- مالیات بر مصرف لوکس و غیرضروری و اعطای یارانه به تولیدات ضروری
- مالیات بر دارایی‌های مصرفی و معافیت مالیاتی بر دارایی‌های تولیدی
- حمایت مالی و حقوقی از شرکتهای دانش بنیان نوپا به صورت سرمایه گذاری ریسک پذیر در مدت معین از محل هدفمندی یارانه ها و صندوق توسعه ملی
- شکل دهی منافع مشترک منطقه ای و ایجاد بازارهای مشترک کشورهاى هم پیمان و اسلامى
- توجه به بخش خصوصی در کنار دولتی مختار و کارآمد به همراه نظام تأمین اجتماعی جامع

اصلاح ساختار دولت بر اساس اقتصاد مقاومتی

- اصلاح ساختار ناکارآمد بروکراتیک اداری دولت، حذف موازی کاری و کاهش موانع پیش روی فعالیت سالم اقتصادی مردم
- اصلاح ساختار بودجه کشور و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و ارزی
- ایجاد زیرساخت های نظارتی- اطلاعاتی در دولت جهت تحقق عملی سیاست ها (بانک های اطلاعاتی ثروت افراد، حساب-های بانکی، فعالیت-های اقتصادی و...)
- اصلاح ساختار تجارت خارجی و جایگزینی ارزهای - دیگر به جای دلار (سبد ارزی)
- اصلاح ساختار پولی- مالی و انحصارزدایی از شبکه بانکی کشور (پیگیری طرح تحول بانکی براساس بانکداری اسلامی)

رویکردهای اقتصاد مقاومتی کشور

در این نوشته تلاش شده است تا ترکیب «اقتصاد مقاومتی» با سه رویکرد: دانش، تلاش جهادگونه و مصرف هدفمند از تولید داخلی، مورد توجه قرار بگیرد.



شکل (۳) رویکردهای اقتصاد مقاومتی.

از جمله رویکردهای زیربنایی و اساسی، توجه دانش محور به مسائل است، بنابراین لازم است این همت در کارشناسان و مسئولین پدید آید که در پیگیری مباحث مربوط به «اقتصاد مقاومتی» از سطحی‌نگری و روزمرگی بر حذر باشند. توجه به تولید با همت و تلاشی مضاعف در راستای کم کردن وابستگی‌های وارداتی و تأمین نیازهای داخلی است. تلاش جهادگونه در برنامه‌ریزی دقیق و به‌کارگیری نیروهای متعهد و متخصص در تولیدات و افزایش کیفیت محصولات با بهینه‌سازی دستگاه‌ها و توجه کامل و همه‌جانبه به همه خدمات مورد نیاز فرآیند تولید از آموزش، بیمه، بهداشت، تبلیغات، بسته بندی، نگهداری و... می‌تواند در زمره این تلاش جهادگونه قرار بگیرد. که جامعه به را به سمت تولیدات داخلی و سرانجام مصرف بهینه رهنمون می‌کند. این همان مصرف هدفمند از تولیدات داخلی در اجرایی شدن «اقتصاد مقاومتی» است؛ مصرف بر پایه نیاز، دوری از اسراف، پرهیز از اشراف‌گری، قناعت و مصرف بهینه و... از نکات برجسته در مصرف هدفمند است (طهماسبی، ف، ۱۳۹۱).

نکات ویژه تحقق اقتصاد مقاومتی

برای شناخت بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت.

شکل زیر به طور خلاصه نکات مهم در مورد اقتصاد مقاومتی را بیان می کند.



شکل (۴) نکات مهم اقتصاد مقاومتی

اولین نیاز این است که مرکزیت و محوریتی برای فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. نیاز دوم آن است که فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصادی داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد دارد. بدون این دو، فعالیت برای تحقق اقتصاد مقاومتی امکان پذیر نمی‌باشد. مسأله‌ی سوم، ضرورت طراحی یک الگوی مشخص از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ مسأله‌ی چهارم عبارت از این است که نظام آموزشی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. مورد پنجم هم درباره‌ی نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی ما برای رواج آموزه‌های اقتصاد مقاومتی است. مسأله‌ی ششم، امکان واکنش سریع نظام اقتصادی ما در برابر حملات اقتصادی است؛ مسأله‌ی هفتم، ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. مسأله‌ی هشتم، لزوم توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی است. نکته‌ی نهم، تحرک دستگاه دیپلماسی کشور برای فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه و فرصت‌های جهانی در اقتصاد مقاومتی است. نکته‌ی دهم و پایانی، لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است (پیغامی، عادل؛ ۱۳۹۳).

آسیب‌شناسی اقتصاد دانش‌بنیان در کشور

در جدول شماره (۳) موارد آسیب‌شناسی اقتصاد دانش‌بنیان کشور ذکر گردیده است.

جدول (۳) موارد آسیب‌شناسی اقتصاد دانش‌بنیان

ردیف	عنوان	توضیح
۱	توجه به مسائل فرعی در علوم	در کشور ما بیشتر توجه مسئولین بر علومی است که ثمرات اقتصادی چندانی ندارد و ممکن است در بلندمدت به تولید کشور کمک کند و در ساختار علمی مسئله‌ای فرعی محسوب می‌شود و عامل اصلی در پیشرفت کشور نیست.
۲	عدم گسترش مراکز تحقیق و توسعه	در ساختار بسیاری از صنایع، همانند خودروسازی و... که کشور وابستگی بسیاری از نظر علم و تکنولوژی به غرب دارد، مراکز تحقیق و توسعه کارایی چندانی ندارند و نوآوری‌های خاصی صورت نمی‌گیرد و بر همین اساس است که بعد از نوسانات ارزی، این صنایع آسیب‌های جدی دیدند. عدم اطمینان به نسل جوان و وابستگی به واردات سبب شده تا اقتصاد دانش‌بنیان در صنعت ما رشد چندانی نداشته باشد.
۳	دغدغه‌های مسئولین و منافع آن‌ها	تحولات علمی در کشور ما بسیار مثبت و مفید است، اما این تحولات موجب اتصال دانشگاه و صنعت نشده و هنوز ساختار صنعت ما وابسته به غرب و غیرمولد است. زمانی که بودجه‌ی دولت وابسته به نفت باشد، منافع افراد بسیاری اقتضا می‌کند که خام‌فروشی و به دست آوردن درآمدهای آسان در کشور حفظ شود و اجازه‌ی تولید و رشد در این قسمت را به سایر صنایع ندهند اقتصاد دانش‌بنیان در صنایع نظامی استفاده می‌شود و پیشرفت خوبی هم داشته است، اما باز در مسیر معیشت مردم و رشد واقعی اقتصاد نیست. از این رو، نمی‌تواند موجب پویایی و رشد اقتصادی بشود.
۴	مسئله‌ی اصلی نبض علوم انسانی است	مهم‌ترین مسئله در زمینه‌ی تولید علم و استفاده از آن در کشور، آن است که امروزه نبض علوم انسانی، که مدیریت‌کننده‌ی علم در جهان است، در دست غرب قرار دارد. در کشور ما، تا زمانی که توجه مسئولان تنها به رشته‌های مهندسی باشد نمی‌توان انتظار داشت که در عرصه‌ی مدیریت علم و تکنولوژی، اقدام مؤثری صورت گیرد. امروزه توجه کشورهای صنعتی بر این است که مدیریت علوم انسانی را خود به‌عهده بگیرند تا مدیریت جهانی را برعهده داشته باشند. رشد اقتصاد دانش‌بنیان در کشور، نیازمند توجه جدی مسئولان به مسائل اساسی کشور و استفاده از این دانش در مسائل اساسی جامعه و اقتصاد است (سراج، م؛ وهماکاران، ۱۳۹۲).

زمینه‌های توسعه اقتصاد مقاومتی در راهبرد اقتصاد دانش‌بنیان

شرکت‌های دانش‌بنیان نقش محوری در ساختار اقتصاد دانش‌بنیان بازی می‌کنند. این شرکت‌ها، با توجه به ویژگی‌های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف‌پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای مواجهه با شرایط تحریم را دارا هستند. نقش این شرکت‌ها در شکل‌گیری و توسعه اقتصاد مقاومتی بسیار قابل ملاحظه است. شرکت‌های دانش‌بنیان، به عنوان بنگاه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، نقش محوری در ساختار این نوع اقتصاد ایفا می‌نماید. بر اساس ماده‌ی یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسه‌ی خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه‌ی اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه‌ی فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده‌ی فراوان، به ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط، تشکیل می‌شود.»^{۲۲}

جایگاه شرکتهای دانش بنیان در تحکیم اقتصاد مقاومتی

یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است که در آن، نقاط ضعف و تهدیدزای اقتصاد تحلیل می‌شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی استخراج می‌گردد. توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است. رابطه در هم تنیده اقتصاد مقاومتی با اقتصاد مبتنی بر علم و دانش از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان استحکام می‌یابد. این شرکت‌ها هم در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان نقش دارند و هم در مدل اقتصاد مقاومتی نیز کارایی و کاربرد دارند. حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان موجب تحول در عرصه علم و دانش و کشف یافته‌ها و نتایج جدید اقتصادی می‌شود، این یافته‌ها می‌تواند در اجرای اصول اقتصاد مقاومتی مورد استفاده قرار گیرد. امروزه با پیشرفت علوم بشری، کاربرد دانش در زندگی انسان در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افزایش یافته و اقتصاد مبتنی بر علم و دانش و شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه اقتصادی اهمیت یافته است. با توجه به سخنان مقام معظم رهبری اکنون «رشد اقتصادی حقیقی در گرو تولید ثروت از طریق دانش و علم می‌باشد»، بنابراین با سرمایه‌گذاری و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توان به ثروت و منابع مالی دست یافت. اقتصاد امروزی به سوی دانش جدید، فناوری روز و تکنولوژی جریان دارد و می‌بایست در جهت تحکیم اقتصاد مبتنی بر علم و دانش تلاش نمود، از این رهیافت می‌توان به جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در تولید علم و دانش پی برد. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه بیان داشتند: «اگر شرکت‌های دانش‌بنیان جدی گرفته شوند و از توسعه کمی و کیفی آنها حمایت شود، به واسطه

^{۲۲} مقام معظم رهبری، بیانات در جمع گروه صنعتی مپنا.

ثروت آفرینی از طریق علم، اقتصاد کشور به شکوفایی حقیقی خواهد رسید. در کنار این مسئله می توان با تشکیل بانک اطلاعات و تقویت بخش خصوصی جایگاه شرکت های دانش بنیان را در جامعه وسعت داد.^{۲۳}

نتیجه گیری و پیشنهادات

برآیند مطالب فوق نشان می دهد که علیرغم برخی چالش های نظری در مفهوم اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد امروز با دانش گره خورده است و دانش همواره به عنوان یکی از اهرم های اساسی توسعه، مورد توجه بوده است. با بررسی نتایج دانش پایگی در عصر حاضر، معلوم شده است که یکی از مظاهر و شاخصه های اصلی توسعه یافتگی دستیابی به درجات بالاتر دانش پایگی در اقتصاد است. اقتصاد با تعریف جدیدی که از آن در اقتصاد دانش محور بیان می شود، می تواند برای کشور ایران با داشتن نیروی کار جوان و تحصیل کرده مورد توجه قرار گیرد. ضرورت ایجاد استراتژی های جدید توسعه و به کار بستن آنها، با سرمایه گذاری های بیشتر و مناسب تر در امر آموزش، توسعه ارتباطات از راه دور و ارزان و ایجاد فضای مناسب تر برای نوآوری می تواند بسترهای مناسب برای توسعه اقتصادی کشور را فراهم آورد. بنابراین توسعه دانش در ایران در جهات مختلف توصیه سیاسی این مطالعه است. براساس یافته های این بررسی، می توان با تاکید بر تحقیقات کاربردی و تسهیل و تشویق بهره گیری از یافته های علمی در فرآیند جهانی شدن تولید و تجارت را به عنوان تدابیر عملی برای ارتقای همزمان دانش پایگی و توسعه مورد توجه قرار داد.

^{۲۳} پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای (مدظله العالی)

منابع

- بهبودی، داود، امیری، بهزاد، (۱۳۸۹) "رابطه بلند مدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران" فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان.
- حسینی، سید شمس الدین و اکبر چهارمحالی بیغش (۱۳۸۴)، "اقتصاد دانش و شکاف توسعه"، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱، تابستان، ۵۵-۸۲.
- ساعدی، مهدی و یزدانی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، "ارائه مدل فرآیندی برای پیاده‌سازی مدیریت دانش مبتنی بر یادگیری سازمانی در ایران خودرو: نظریه برخاسته از داده‌ها"، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، (۲)، صص ۸۴-۶۷.
- سوزنچی کاشانی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، "اقتصاد دانش محور: رویکردها، مبانی و دلالتها"، نامه سیاست علم و فناوری ۱، صص ۱۹-۳۲.
- سیف الدین، امیر، رهبر، امیر حسین، (۱۳۹۲) "تسهیلگری اسلام در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان؛ نگرشی جدید به بستر نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال پنجم، شماره ۴، تابستان.
- صادقی، مسعود و کریم آذربایجانی (۱۳۸۵)، "نقش و جایگاه اقتصاد دانش محور در تقاضای نیروی کار"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۷، تابستان، ۱۵۷-۱۹۷.
- صمدی میارکلائی، حسین، حمزه، (۱۳۹۲) "نظریه‌ها و الگوهای ارتباط میان دانشگاه‌ها و صنعت در اقتصاد دانش بنیان" رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد سال نهم، شماره ۳۵، تابستان.
- عظیمی ناصرعلی و سجاد برخورداری (۱۳۸۷)؛ "اقتصاد دانش محور در کشورهای جنوب شرقی آسیا"، رهیافت، شماره ۴۳، پاییز و زمستان، ۳۲-۳۳.
- عمادزاده، مصطفی، روح اله شهنازی و زهرا دهقان شبانی (۱۳۸۵)، "بررسی میزان تحقق اقتصاد دانش محور در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره دوم، تابستان.
- عیدمحمدزاده، حسن، رضائی، جواد، فقیه نصیری، مرجان و توکلی بغداد آباد، محمد رضا، (۱۳۸۹) "ارزیابی اقتصاد دانش با استفاده از مدل برنامه ریزی ریاضی"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره اول، بهار، ۱۳۵-۱۱۵.
- گرگی زاده، عطیه، شریفی رنای، حسین (۱۳۹۳) "نقش اقتصاد دانش بنیان در کنترل تورم" فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی شماره ۲ تابستان.

سراج، مهدی، احمدزاده، افشین، جوکار، محسن، میلادی، محمد، (۱۳۹۲)، «اقتصاد دانش بنیان»، رویکرد نسل چهارم تحقیق و توسعه»
دومین اجلاس مدیران تحقیق، توسعه و فناوری..

مینویی، مهرزاد، محمد پورزندی، محمد ابراهیم و نادری، نازنین، (۱۳۸۹)، «ارزیابی وضعیت مدیریت دانش بر اساس مدل نوناکا تاکوچی»،
حسابداری مدیریت، ۳(۴)، صص ۵۸-۴۹.

ناظمان، حمید و اسلامیفر، علیرضا، (۱۳۸۹)، «اقتصاد دانش بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی)»،
دانش و توسعه، ۱۸(۳۳) صص ۲۱۳-۱۸۴.

نیل فروشان، هادی (۱۳۸۳) «بررسی ماهیت اقتصاد دانش محور و ضرورت و امکان پذیری حرکت ایران از اقتصاد تولید محور به اقتصاد دانش
محور»، کارشناسی ارشد اقتصاد، فردوسی.

Becker, Gary. (۱۹۶۴) " Human Capital; with special Reference to Education", U. of Chicago Press.

Castells, M. (۱۹۸۹), " Globalization, Technology, and Social Development", *United Nations Research Institute*,
Geneva, Discussion

Schumpeter, J. (۱۹۱۱), " Theory of Economic Development", *Harvard U. Press*

Smith, A. (۱۷۷۶, ۱۹۷۶), " An Inquiry into the Nature and Cause of the Wealth of Nations", *University of Chicago
Press*

Smith, K., ۲۰۰۲, " What is Knowledge Economy? Knowledge Intensity and Distributed Knowledge Bases", INTECH,
Discussion paper series.

Smulders, J. & L. Bretschger (۲۰۰۷) " Sustainable Use of Resources and Economic Dynamics", *Journal of
Environmental & Resource Economics*, Vol. ۳۶, pp. ۱-۱۳

Stiglitz, J. (۱۹۹۸), " Towards a New Paradigm for Development", UNCTAD.

Sundac, D., & fatur, K. L. (۲۰۱۱). Knowledge economy factors and the development of knowledge-based economy.
CroEconSur, ۱۳(۱): ۱۰۵-۱۴